



۲۰۱۸/۰۵/۰۱

طارق ارسلانی

"وحیده وحدت" روایتی از کتاب "تراژیدی کابل بانک"

سراسر کتاب "تراژیدی کابل بانک" مملو از روایات غدر، خیانت، دزدی، فساد، توطئه، و قانون شکنی است. این کتاب صرفاً بیانگر سقوط یک بانک نی، بلکه بیانگر ناکامی یک دولت و سقوط ارزش های یک ملت است. در لابلای روایات اندوهگین و اسفبار این کتاب، خواننده دفعتاً و به شکل غیر منتظره به روایت شیرینی بر می خورد که فرجام آن "گامیابی" است. برعکس تمامی چهره های ذکر شده در این کتاب که در صف فساد و خیانت قرار گرفته اند و به جز خود و دوستان خود برای احدی در مقدرات کشور حقی قائل نیستند؛ قهرمان این روایت اما دوشیزه افغان تبار مقیم شهر هامبورگ آلمان است به اسم "وحیده وحدت".

این روایت در کتاب "تراژیدی کابل بانک" چنین ذکر گردیده است:

در جریان معضله کابل بانک، "بانک مرکزی افغانستان" یا (د افغانستان بانک) مکتوب رسمی از محکمه شهر فرانکفورت آلمان دریافت نمود که به اساس آن یک باشنده آلمانی - ایرانی الاصل به اسم "آندره رحیمیان"، مالک کمپنی EPCO، در محکمه آلمان علیه دولت افغانستان اقامه دعوا نموده بود. بنا بر مکتوب رسمی محکمه "عارض" (آقای رحیمیان) به علت "نقض قرارداد" خواستار دریافت مبلغ ۹۹ میلیون دالر غرامت از دولت افغانستان گردیده بود. در این مکتوب برای دائر شدن محکمه چهار هفته وقت تعیین گردیده بود و تصریح شده بود که مطابق اصول محکمه و در صورت عدم حضور "مدافع" (د افغانستان بانک) فیصله غیابی به نفع "عارض" صادر خواهد گردید. زمانی که مکتوب به "بانک مرکزی" افغانستان می رسد، قبلاً ده روز از تاریخ صدور آن سپری شده بود. مسئولین "د افغانستان بانک" کوچکترین اطلاعی از این قضیه و هیچگونه شناختی از آقای رحیمیان نداشتند. بعد از طلب استمداد از مأمورین سابقه "د افغانستان بانک" واضح می شود که در بین سال های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دولت افغانستان با "جمهوری سوسیالیستی چکسلواکیا" چندین قرارداد تجارتي عقد نموده بود که به اساس آن دولت "چکسلواکیا" ملزم و متعهد به اعمار دو فابریکه سمنت غوری در بغلان بود. ولی بعداً حالات به شکلی تغییر نمود که این پروژه هیچگاه عملی نگردید. بعد از تحولات سیاسی در اروپای شرقی و تقسیم "چکوسلواکیا" به دو کشور "چک" و "سلواکیا"، "جمهوری چک" به حیث وارث "جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا" شناخته شد. آقای رحیمیان توانسته بود تا با حيله و ذیرکی

و با استفاده از بی ثباتی سیاسی دو کشور افغانستان و "چک" خود را در محکمه به حیث یک جانب قرارداد معرفی نماید و اقامه دعوا را به راه اندازد.

آقای قدیر "فطرت" (نویسنده کتاب و رئیس بانک مرکزی افغانستان در آن زمان) این رویداد را به این شکل ادامه می دهد:

ما مجبوراً دست به کار شدیم تا وکیل مدافعی در آلمان پیدا نمایم که از "بانک مرکزی افغانستان" در محکمه دفاع نماید. مشکل به نظر می رسید بتوانیم در این مدت کوتاه وکیل مدافع قوی و با اعتمادی که اسناد مربوطه را به محکمه پیشکش نماید پیدا نمایم. در جریان صحبتی از روی تصادف موضوع را با وزیر خارجه وقت، آقای خلّمی رسول، در میان گذاشتم. آقای رسول فوراً برایم گفت که در آلمان وکیل مدافع بسیار لایق افغان را می شناسد و بعد از ظهر همان روز شماره تلیفون بانو "وحیده وحدت" را در اختیارم گذاشت.

بعد از چند بار تلاش توانستم تا با بانو "وحیده وحدت" رابطه برقرار نمایم. چون ضرب العجل محکمه نزدیک بود، خانم "وحیده وحدت" تقاضا نمود تا به زودترین فرصت تمامی اسناد مربوط به قضیه را برایش ارسال نمایم. ما اسناد را آماده نموده و به خانم "وحیده وحدت" ارسال کردیم. قرار شد تا هیأتی نیز از بانک مرکزی افغانستان جهت مفاهمه با خانم "وحیدت" به آلمان برود.

بعد از ملاقات هیأت با خانم "وحیدت"، امیدواری بیشتر گردید و هیأت، خانم "وحیدت" را یک "وکیل مدافع مجرب و بی اندازه دلسوز به افغانستان" دریافت نمود.

در این جریان محکمه آلمانی نیز اسناد جدیدی را که "عارض" (آقای رحیمیان) به محکمه سپرده بود در اختیار ما گذاشت. از روی اسناد جدید دریافتیم که در طول سالیان ۲۰۰۶ آقای رحیمیان توانسته بود تا به نحوی با "خلّمی زابلی" (رئیس کمیته قضا در سنا یا مشرانو جرگه افغانستان) ارتباط برقرار نموده و در پی هر نوع وعده و وعیدی که در میان بوده است، "زلمی زابلی" بالای بانک مرکزی فشار وارد نموده و خلاف تمامی مقررات اداری و قوانین کشور اسناد محرمانه قرارداد را به دست آورده و بعداً در اختیار آقای رحیمیان قرار داده است.

به این ترتیب در یکطرف این قضیه بانوی افغان تبار آلمانی به وکالت از "بانک مرکزی افغانستان" و در جهت دفاع از منافع افغانستان قرار می گیرد، و در جانب مقابل قضیه، آقای رحیمیان در تبنانی با افرادی در داخل کشور.

بعد از چندین بار تعویق، بالاخره محکمه ها یکی بعد دیگری دائر گردیدند و خانم "وحیده وحدت" توانست تا با پشتکار و درایت، تمامی دوسیه ها را به نفع بانک مرکزی افغانستان ببرد؛ آخرین دوسیه این قضیه در جون ۲۰۱۱ به نفع بانک مرکزی افغانستان فیصله گردید.

به این ترتیب لیاقت، پشتکار، درایت، دلسوزی، و علاقه یک خانم افغان به کشور و مردم آن، از سرقت و برباد رفتن ۹۹ میلیون دالر سرمایه مردم فقیر افغانستان جلوگیری نمود. طارق ارسلانی - ایالت ورجینیا، امریکا ۳۰ اپریل ۲۰۱۸

